عصیان

نشریه
شماره سیزدهم
آبان ماه
۱۳۹۰

ویژه ۲۵ نوامبر ،
روز جهانی خشونت علیه زنان

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com
facebook:osyanzan

الیزابت استنتون:
زنان نباید صرفا به عنوان « مادر،همسر،خواهر و دختر» مورد توجه قرار گیرند. آنچه زنان می خواهند آن است که به عنوان « شهروند، به عنوان زن» تلقی شوند.

خشونت، زنان و ۲۵ نوامبر

آزاده صمیمی

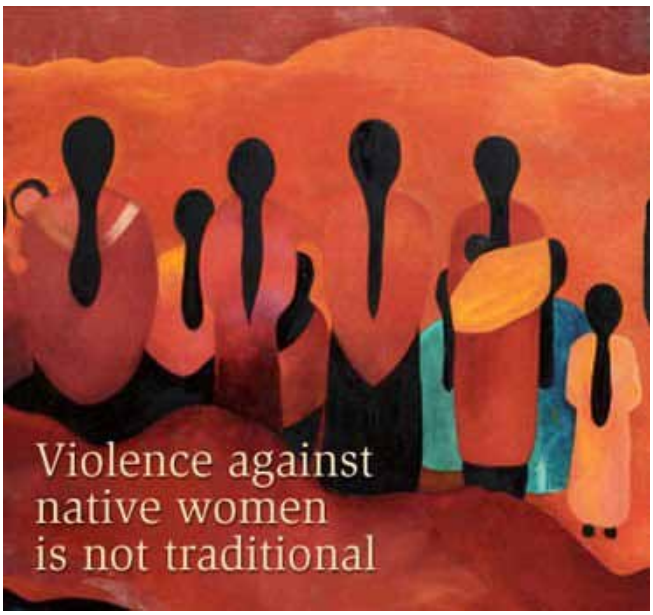

خشونت در ابعاد جهانی بر زنان نقاط مختلف دنیا اعمال می شود. از کشور هایی که خود را مهد دموکراسی می دانند تا مناطقی که در اختناق و ارتجاع دست و پا می زنند، خشونت بر علیه زنان به آشکار ترین شکل خود را نشان می دهد.کتک زدن، آزار و اذیت جنسی، تهدید و قتل از مصداق های اصلی خشونت های خانگی هستند و علاوه بر این خشونت های اجتماعی و دولتی نیز هر روز بیشتر و بیشتر عرصه را بر زنان تنگ تر می کند. وضع قوانین بر علیه زنان ،یکی از نمونه های بارز خشونت های دولتی می باشد. اعلام جایگزین نمودن قانون چند همسری به جای تک همسری در لیبی از سوی شورای انتقالی از تازه ترین و تکان دهنده ترین نوع خشونت دولتی بر علیه زنان است. در ایران نیز در کنار خشونت های خانگی که روزانه جزئ خبر های لاینفک صفحه حوادث روزنامه ها شده است آزار و اذیت های نیروهای نظامی در قالب گشت های ارشاد نمونه ای از خشونت های دولتی است. به همه اینها تفکیک جنسیتی و بومی گزینی و جنسیتی نمودن رشته های دانشگاهی را هم اضافه کنید. وضع قوانین بر پایه مذهبی یکی از دلایل افزایش خشونت های خانگی و اجتماعی و دولتی در کشور ها یی همچون ایران است. چرا که مذاهب همگی ضد زن بوده و تمام رهنمود هایش بر علیه جنسیت زن می باشد. حجاب اجباری از مهمترین محدودیتهاییت که از سوی دولت و از کانال قانون و دین بر زنان اعمال می شود. سالی که گذشت همچون سالهای گذشته مملو از خبرهایی تکان دهنده در مورد زنان بود. قتل های متعدد خیابانی از سوی مردانی که جواب رد شنیده بودند،همچون حادثه پل مدیریت تهران تا قتل دختران جوان به دست پدران و برادرانشان به دلیل شک و سوئ ظن به آنها، تجاوز های متعدد و دسته جمعی همچون حادثه دانشگاه فردوسی مشهد، فاجعه خمینی شهر و همچنین کاشمر، خود سوزی های متعدد زنان در قسمتهای مختلف ایران به دلایلی که در یک سر آن مردان قرار دارند، دستگیری های متعدد فعالین سیاسی و دانشجویی و هنرمندان و اسید پاشی های متعدد که این روزها مد روز ترین خشونت بر علیه دختران جوان است، قسمتی از اتفاقات تلخ و خشونت بار زنان ایران بود. همه اینها اخباری بود که منتشر شدند. چه بسیارخشونت های متعددی که خاموش و بیخبر اتفاق می افتند و به دلایل مختلف از بازگو نمودن آن امتناع می شود. و اما در سطح جهانی، آمار خودکشی زنان کردستان عراق که ۹۸ درصد آن بصورت خودسوزی است بالا رفته است که اغلب به دلیل ترس از خانواده به خاطر مسائل ناموسی است.۹ میلیون زن تن فروش در هند وجود دارد که عده کثیری از آنها از بنگلادش و نپال دزدیده یا خریداری شده اند. هرساله بیش از ۸۰ در صد زنان افغانی مورد خشونت خانگی و یا آزار و اذیت نیروهای مذهبی قرار می گیرند.

آگاهی به چرایی و چگونگی ستمی که بر زنان می رود و آگاهی به اینکه چگونه و از چه راه هایی و با چه کسانی باید مبارزه نمود از فاکتور های مهم و اصلی مبارزات زنان در سراسر دنیاست

در کشور پرتقال ۵۲.۸ در صد زنان صریحا اعلام کرده اند که از سوی همسران، معشوقان و یا یاران خود مورد خشونت قرارگرفته اند. در آلمان در هر ۴ روز ۳ زن توسط مردان زندگی خود به قتل میرسند. یعنی بالغ بر ۳۰۰ قتل در سال. در انگلستان هر ۳ روز ۱ زن در همین شرایط کشته می شود. در ایتالیا ۱ زن هر ۴ روز. یعنی حدود ۱۰۰ زن کشی در سال. در فرانسه هر ۵ روز یک زن در اثر خشونتهای خانگی به قتل میرسد. یک سوم این زن کشی ها با سلاح سرد و یک سوم دیگر با

اسلحه گرم صورت میگیرد. ۲۰ درصد خفه میشوند و ۱۰ درصد تا حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. در مجموعه ۱۵ کشور اتحادیه اروپا (قبل از گسترش آن به ۲۵ کشور) بیش از ۶۰۰ زن در سال یعنی نزدیک به دو زن در روز در اثر خشونت های کانون خانواده جان میدهند. رومانی در میان کشورهای اروپایی کشوری است که در آن خشونت خانگی نسبت به زنان حادتر است. در صدر کشورهای زن کش بعد از رومانی فنلاند قرار دارد. بعد از آن نروژ, لوکزامبورگ, دانمارک, سوئد, ایتالیا, پرتقال و ایرلند در رده های بعدی قرار میگیرند. در آمریکا در هر دقیقه یک زن مورد تجاوز قرار میگیرد. از ۲۵ نوامبر تنها یک روز و یک یاد باقی مانده است. این روز نیست که زنان را به یکدیگر متصل می کند بلکه خشونتهای مختلف در خانواده و جامعه است که میلیونها زن در سراسر دنیا را به هم وصل می کند و مبارزه بر علیه این خشونتهاست که ۲۵ نوامبر را معنا می بخشد چرا که در این روز زنانی کشته شدند که دومین مشکل دولت و دیکتاتور حاکم وقت در دومینیکن بودند.

بحران هایی که در دنیا اتفاق می افتد اولین قربانیانش را از زنان و البته کودکان می گیرد. جنگ،قحطی و بحران های اقتصادی نمونه هایی از آن هستند. اولین گروه بیکاران و از کار رانده شده ها زنان هستند. اولین دسته هایی که باید تحصیل را رها کنند زنان و دختران هستند. چرا که آنها باید شوهر داری و بچه داری کنند و تحصیل در اولویت نیست.

همه اینها هر روز عرصه را بر زنان تنگتر و تنگتر می کند و اگر چه مقاومتی جانانه را می طلبد اما کافی نیست. بلکه در کنار آن مبارزه ای جانانه و با تمام قوا را نیز می طلبد. مبارزات خودبخودی و از سر خشم زنان اگرچه قابل دفاع و حمایت است اما اینها نجات دهنده آنها نیست. آگاهی به چرایی و چگونگی ستمی که بر آنها میرود و آگاهی به اینکه چگونه و از چه راه هایی و با چه کسانی باید مبارزه نمود از فاکتور های مهم و اصلی مبارزات زنان در سراسر دنیاست. چرا که کسانی که مناسبات مرد سالارانه و زن ستیزانه را در نقاط مختلف دنیا تولید و باز تولید می کنند و دائما، شکل های مختلف و جدیدی به آن می بخشند که همگی در جهت تقویت فرودستی زنان است، کسانی هستند که صاحبان قدرتند و علاوه بر تولید مناسبات زن ستیزانه ، محافظان آن هستند و این برای هزاران بار ثابت می کند که ستم بر زن یک مسئله سیاسی است چرا که توسط صاحبان قدرت سیاسی پدید می آیدو این یعنی بدون متشکل شدن و با هم بودن و بدون مبارزه بر علیه دولت های قدرتمند در جهت سرنگونی آنها رهایی زنان ممکن نیست. پتانسیل مبارزه وتغییرو دگرگونی در زنان همه دنیا موجود است و این را صاحبان قدرت به خوبی فهمیده اند که هر روز و هر ساعت در جهت به بند کشیدن زنان هستند. پس بیدار باشیم و هوشیار و به پا خیزیم که فرصت های بزرگ را از دست ندهیم.

۲۵ نوامبر ۲۰۱۱

آری تن عریان علیاء پرچم انقلاب است!

مریم جیوار

صبح ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱ مصر با یک سکته واقعی از خواب بیدار شد. علیاء ماجدۀ المهدی زن بیست سال مصری با قرار دادن تصاویر برهنه ای از خود بر روی صفحه فیس بوک و وبلاگش در صدر اخبار مصر و سایر رسانه های عربی قرار گرفت و در عرض چندین ساعت عکسها و نوشته های علیاء انبوهی از اعتراضات و حمایتها را ابتدا در مصر و بعد جهان عرب و سپس در سراسر جهان به دنبال خود کشید و به یکی از مهمترین مسائل روز بهار عربی تبدیل شد. بنیادگرایان اسلامی خواهان مجازات علیاء به اتهام دعوت مردم و جوانان مصری به فسق و فجور و اهانت به مقدسات شده اند و بعید نیست که در آیندۀ نزدیک یکی از " مردان خدا " دست به قتل این " ضعیفۀ دریده و وقیح " بزند. از سوی دیگر اما موجی از حمایت و همدلی با این وبلاگ نویس جسور در خود مصر و سایر کشورهای منطقه و از جمله ایران به راه افتاده است. پرسش این است که اهمیت کنش علیاء چیست؟ چرا عکسهای یک دختر بیست ساله این چنین موجب برانگیختگی حساسیت ها شده است؟ بدون شک تصاویر بدن برهنۀ علیاء آن هم در شرایطی که ده ها میلیون عکس و فیلم پورنوگرافیک جای جای دنیای مجازی اینترنت را اشغال کرده است حاوی اهمیتی ویژه است. به اعتقاد ما نحوۀ موضع گیری شخصیتها، جریانات و احزاب و تشکلهای سیاسی و اجتماعی و به ویژه مردم مصر و جهان عرب یکی از مهمترین شاخصهای قضاوت در رابطه با آیندۀ قیام این کشورها است.

زین العابدین بن علی سقوط کرد و متواری شد، حسنی مبارک سرنگون شد و به دادگاه کشیده شد، معمر قذافی برافتاد و به قتل رسید، جنبش مردم خسته از فقر و سرکوب و تحقیر سراسر جهان عرب را درنوردید اما یک مساله از همان روزهای نخستین بهار عرب احساسی از نگرانی و حتا بدبینی را تقویت میکرد: جایگاه زنان و مساله زنان در این خیزشها. برخلاف خیزش ضد استبدادی سال ۸۸ (۲۰۰۹) مردم ایران که زنان و دختران رزمنده و ستیزنده در صف مقدم مبارزه با ارتجاع فاشیستی

مذهبی جمهوری اسلامی قرار داشتند، تصاویر و فیلمهای اعتراضات و تظاهرات مردمی در تونس و مصر و لیبی و به ویژه در بحرین و یمن و سوریه کمتر نشانی از حضور انبوه و تأثیر گذار زنان داشت و اگر گاهاً زنی دیده میشد عمدتاً در معیّت مردی بود و با چادر و پوشش اسلامی و مذهبی. چندی نگذشت که خبر تجاوز به زنان در جشن سقوط حسنی مبارک از سوی مردان حاضر در میدان التحریر به گوش رسید و به قول دوستی ((وای به حال ملت و انقلابی که جشن سرنگونی دیکتاتورش با چاشنی تجاوز به زنان همراه باشد)) و در ادامه حملهٔ اسلامگرایان طرفدار اخوان المسلمین و سایر دسته جات اسلامی مصر به زنان در روز ۸ مارس سال ۲۰۱۰ یعنی فقط چند هفته پس از سقوط رژیم مبارک و سکوت سایر خطوط و جریانات سیاسی به بهانه های گوناگون از جمله الویت داشتن حفظ وحدت همه نیروها یا بی اهمیتی مورد تجاوز قرار گرفتن چند " لکاته " در مقایسه با سقوط مبارک و رژیم اش. این تهاجم و سکوت برای زنان مصر فقط یک پیام در بر داشت و آن هم مرگ هرگونه افق و امید رهایی بود. گویی انگشت اشارهٔ نرینه های التحریر جز خانه و آشپزخانه و بستر خواب را به زنان مصر نشان نمیداد! همچنان که مصطفی عبدالجلیل رهبر و سخنگوی شورای انتقالی لیبی پس از سقوط رسمی رژیم قذافی از ضرورت تدوین قانون جدید این کشور طبق شریعت اسلامی سخن گفت و بر لغو قانون ممنوعیت تک همسری و اعمال چند همسری تأکید کرد و این به واقع یک عقبگرد ارتجاعی برای زنان لیبی و برای کل جنبش اعتراضی این کشور است. همچنانکه بیانیهٔ عصیان زن نیز خاطر نشان کرد مجوعه تحولات جنبشهای موسوم به بهار عربی از زاویه جایگاه و نقش زنان به طرز غم انگیزی یادآور پروسه شکست انقلاب در ایران سال ۵۷ بود. (۱) آنجا که خمینی و ارتجاع حامی اش روند سرکوب انقلاب و احداث رژیم قرون وسطایی شان را با تهاجم به زنان و حقوق و جایگاه ایشان آغاز کردند. روزهایی که گله های اوباش و چماقدران حزب الله با شعار یا روسری، یا توسری و حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله به تجمعات و نشستهای زنان حمله کرده و برای ناکام گذاشتن انقلاب مردم و امیدهای رهایی بخش و برابری خواهانه آن خیز برمیداشتند. به واقع سرکوب زنان در جریان پا گرفتن خمینی و ضد انقلاب اسلامگرایش سرآغاز پروسه شکست کل انقلاب بهمن بود که در ادامه به فلاکت و تباهی تمام جامعه ایران منجر شد. و گویی این تراژدی این بار در خیزشهای جهان عرب سر تکرار دارد، به ویژه که در فقدان یک رهبری و آلترناتیو ، انقلابی و پیشرو در مصر و تونس و لیبی نیروهای راست اعم از لیبرال و اسلامگرا دست بالا را گرفته اند و با مشارکت امپریالیستها به امید و آرمان تغییر و دگرگونی توده ها خیانت میکنند و برآنند تا دامنه انقلاب و تغییر را به مرزهای وضعیت و مناسبات موجود محدود کنند. در این موقعیت و این چشم انداز است که تن عریان علیاء فریاد انزجار از چنین سرنوشتی است. گویی این دختر بیست ساله پیشاپیش جامعهٔ خود فهمیده است که در پس سرکوب زنان و زمزمه های بدآهنگ اسلامی چه ((پائیز دست به داسی کمر به قتل عام گندم و بابونه بسته است)). (۲) او به درستی از ناکامل بودن پروسه انقلاب و تغییر خبر داده بود و اینکه چگونه رشد اسلام و اسلامگرایی در جامعه مصر خطر بالقوه ای است که میتواند به انحطاط این کشور منجر شود. او خطاب به معترضین غیرت به جوش آمده اش میگوید: ((نخست درباره زنانی که در آغاز دهه ۷۰ میلادی در دانشکده هنرهای زیبا به عنوان مدل در برابر نقاشان مرد لخت می شدند قضاوت کنید و کتاب های هنری را پنهان کرده، مجسمه های برهنه را بشکنید، سپس در برابر آینه لخت شوید و بدن های خود را که با دید تحقیر آمیز به آنها نگاه می کنید به آتش بکشید تا پیش از فرستادن اهانت هایی با مضمون تبعیض جنسی به من و نفی حق آزادی بیان من، برای همیشه از عقده های جنسی خود رها شوید)). علیاء خود را یک فمینیست ملحد میداند و در باره روسری (حجاب) که آنرا در یکی از عکسهایش به زیر پا له کرده است گفته : ((من به هیچ کس توهین نکرده‌ام. من به تکه پارچه‌ای توهین کردم که نماد بردگی زنان است)).(۳) عکسهای علیاء فریاد رسای اعتراض به ارادهٔ سرکوبگری است که رویای بازگشت به مدینهٔ النبّی اسلامی را دارد. اولیاء به دنبال دریدن پردهٔ " شرم زنانه " ای است که مقدمهٔ اسارت و برده گی زنان است. اگر چه نباید در انگیزه ها و گرایشات فردی و سیاسی علیاء غلّو و بزرگ نمایی کرد اما تردیدی نیست که حرکت او اعتراض صریح، خودجوش، فردی و ابتدایی است به نادیده گرفته شدن حق زنان در جنبش مصر، کما اینکه هزاران دختر جوان مصری با انتشار عکسهای برهنه ای از خود به این اعتراض و حمایت از وی پیوستند. عمل این دختران نه گفتن به هژمونی مردسالارنه و اسلامگرایانهٔ حاکم بر جنبش است. علیاء با به ملاءعام گذاشتن برهنگی اش از حق مالکیت اش بر بدن خود سخن گفته است، از آزادی زن برای چگونه گی برخورد با هستی فیزیکی و جنسی اش همان چیزی که مردسالاری و سرمایه داری چه در پس دیوارهای اندرونی های " نجابت و عفاف " و چه در صنعت جهانی

سکس و پرنوگرافی به دنبال به بند کشیدن آن است. و چه حقیر است متهم کردن علیاء به تبلیغ و ترویج پرنوگرافی آن هم در جهانی که میلیونها زن در پی مناسبات ضد انسانی سرمایه سالارانه آن چاره ای جز به فروش گذاشتن بدن خود برای اندک نان و سرپناهی ندارند.

در این فاصله بسیاری از روشنفکران و سیاست مداران راست و لیبرال چه در مصر و چه در سایر کشورها (و از جمله ایران) با اتکا به تئوری های پراگماتیستی و فرصت طلبانه به محکومیت حرکت علیاء پرداختند با این توجیه که برخورد او برای جامعه مصر بسیار آونگارد و چپ روانه است و آب را به آسیاب بنیادگرایان اسلامی خواهد ریخت. به عنوان مثال سخنگوی جریان لیبرالی ششم آوریل که گفته میشد علیاء و دوست پسرش عضو آن بوده اند ضمن محکومیت عمل علیاء، وی را به همکاری با سازمانهای امنیتی طرفدار مبارک متهم کرده و اظهار داشت که چنین ((اقدامات تحریک آمیزی و توهین به اعتقادات و باورهای عامه مردم باعث ترس و دوری لایه های سنتی جامعه از جنبش اصلاحات میشوند)) (۴) و این همان خط اشتباه، فرصت طلبانه و بزدلانه ای است که در رأس و رهبری جنبشهای خاورمیانه (از جمله رهبران سبز ایران) قرار گرفته است و در فقدان یک رهبری انقلابی سوار بر موج خروشان مردم شده و تمایلش به حفظ وضع موجود و هراسش از تعمیق جنبش و تبدیل آن به انقلاب را با اتکا به گرایشات بخشهای عقب مانده و واپسگرای توده ها توجیه کرده و به پیش میبرد. اما به گمان من عمل شجاعانه و پیشرو علیاء بیانگر تمایل به تغییرات واقعی و ریشه ای توده ها است، تمایل به انقلاب. این دختر بیست ساله صدای امید زنان مصر است به رهایی از بندهای مردسالاری و ستم جنسی، صدای روشنفکران و نویسندگان عرب در اعتراض به سانسور، جوانانی که با رویای یک جهان عاری از محدودیت و سرکوب پا به التحریر گذاشتند و کشته شدند. تصاویر سینه ها و واژن برهنه علیاء خروش بی صدای تن فروشهای سراسر مصر است که منشاء و مبداء تباهی و سیه روزی شان در انقلاب ناتمام این کشور دست نخورده مانده است و قرار است این بار در بازارهای پیدا و پنهان فحشاء در جمهوری اسلامی مصر به فروش برسند. او حتا اگر خود نداند نمایندهٔ گرایش عمیق و بالقوّه مردمی است که میل به تداوم انقلاب تا سرحد رهایی دارند نه توقف آن به سرنگونی مبارک و محمدرضا شاه و صدام و بن علی و قذافی و طالبان و تداوم بازی به همان روال گذشته. صدای میلیونها کارگر مصری که دست مزد روزانه شان فقط سه دلار است، صدای دهقانان استثمار شدهٔ کرانه های نیل، کودکان کار، همجنسگرایان همواره تحقیر شده، ملل و اقلیتهای تحت ستم. اگر بدن شعله ور محمد بو عزیزی (کارگر جوان تونسی که خود را در اعتراض به بی کاری و بحران اقتصادی این کشور به آتش کشید) باروت انفجار صدها ملیونی بهار عربی شد، بدن برهنهٔ علیاء و دیگر دختران عرب صدای تعمیق جنبش، انقلاب و گسترش دامنه تغییر است. انقلاب تا رهایی تمام بشریت از تمامی ستم و استثمار و بهره کشی.

صدای امید برای یک جهان شایسته انسان. از این زاویه میتوان چنین نتیجه گرفت که عمل علیاء پرچم فراخوان به یک مبارزه رادیکال و بی باکانه به قصد تعمیق جنبش تا تحقق یک انقلاب اجتماعی. چنان که وی در پاسخ به خبرنگار CNN درباره وضعیت زنان در مصر نوین گفت : ((من به هیچ وجه خوشبین نیستم، مگر آنکه یک انقلاب اجتماعی طغیان کند)) (۵) آری تن عریان علیاء پرچم انقلاب است!

پانوشتها:

-۱عصیان زن – شماره ۱۲ – آبان ۱۳۹۰

-۲برگرفته شده از یکی از شعرهای سید علی صالحی

3- http://jahanezan.wordpress.com/2011/11/18/15437/

-۴همان

5- http://edition.cnn.com/2011/11/19/world/meast/nude-blogger-aliaa-magda-elmahdy/index.html

ترجمه این مصاحبه را میتوانید در صفحه فیس بوک نشریه عصیان زن بخوانید.
رجوع کنید به

http://www.facebook.com/pages/%D8%B9%D8%B5%DB%8C%D8%A7%D9%86/154427327919741

جهت اطلاع عموم

چندی پیش بیانیه ای علیه تفکیک جنسیتی و منشوری در دفاع از حقوق زنان در وبلاگی با عنوان " عصیان زن" منتشر شد.آدرس های ای میل و فیس بوک و وبلاگ آن نیز بسیار شبیه به آدرس های ما می باشد. با توجه به اینکه تعدادی از خوانندگان را نیز دچار اشتباه کرده بود و فکر کردند که این آدرس ها و این وبلاگ متعلق به ما می باشد ،لازم دیدیم که صریح تر این موضوع را به اطلاع همه برسانیم. متاسفانه چنین کارهایی فضای ناسالمی را پدید می آورد و سوء استفاده فرصت طلبانه تلقی می شود. از میان این همه اسم و عنوان ، انتخاب نامی که قبلا موجود بوده و شباهت بسیار نزدیک آدرس های الکترونیکی بیشتر به یک فرافکنی شباهت دارد تا اشتباه سهوی

این توضیح جهت اطلاع همه خوانندگان و کسانی است که در این مدت دچار اشتباه شدند و یا ممکن است با این وبلاگ و فیس بوک مواجه شوند

نشریه عصیان

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com
f acebook : osyanzan

مذهب مروج خشونت

روشنک مینو

خشونت بر زنان به واسطه عوامل گوناگونی بروز می کند که مردسالاری، قوانین مذهبی و آداب و رسوم سنتی از جمله مهمترین آنها می باشند. ایدئولوژی مردسالار، مرد را همواره جنس قوی و نیرومند قلمداد نموده و اعمال خشونت از طرف او را به عنوان غریزه ی طبیعی او به حساب می آورد. این در حالی است که می توان انسان را تنها موجود زنده ای دانست که می تواند به واسطه ی اگاهی و اراده ی شخصی، بر غرایز طبیعی خود مسلط شده، آنها را کنترل نموده و در مواقعی حتی به ضد خود بدل نماید. با این وجود همیشه شاهد هستیم که ساختار های مؤثر ایدئولوژیک مثل دولت، قوانین مذهبی، رسانه و خانواده، به جای ارائه ی آگاهی به افراد جامعه در این خصوص، بیشتر تفکرات سنتی را رواج می دهد. یکی از مهمترین اقدامات ایدئولوژیک در میان افراد جامعه در جهت تقویت خشونت نسبت به زنان، ترویج روحیه ی غیرت و تعصب است که به دنبال اشائه ی مالکیت مرد بر زن در راستای ایدئولوژی مردسالار شکل می گیرد. بعضی از افراد بر این باورند که مرد باید همیشه نسبت به همسر خود با خشونت رفتار کند و این گونه رفتارها را نشان غیرت مردان می دانند. گسترش روز افزون قتل های ناموسی و خشونت های مربوطه به دنبال ترویج این نگرش در میان مردان جامعه می باشد.

حجاب اجباری، تمکین زنان از همسران و سنگسار زنان از جمله قوانین مذهبی است که نه تنها از سوی حاکمیت بلکه به واسطه سنت گرایان و خانواده ها در اکثر کشورهای اسلامی اجرا می شود. قتل های ناموسی، ختنه ی دختران، ازدواج اجباری، انواع تجاوز جنسی، فروش دختران، آزار های جسمی و روحی از جمله خشونت هایی است که به دنبال غیرت، تعصب و مردسالاری به زنان تحمیل می شود. تکرار مداوم این خشونت ها که اغلب چه به طور آشکار و چه نهان، شخصیت زنان را مورد تحقیر و تمسخر قرار می دهد؛ به تدریج اعتماد به نفس زنان را کاهش می دهد. کاهش اعتماد به نفس منجر می گردد تا زنان، نتوانند اهداف و مسئولیت های خود را به درستی محقق نمایند و استعداد های خود را شکوفا کنند که همین امر به صورت مداوم یکی از عوامل در جهت تضعیف جنس زن در مقابل جنس مرد را می باشد. در سالهای اخیر یکی از مهمترین مظاهر خشونت نسبت به زنان، روند گسترش عفاف و حجاب در قالب گشت های ارشاد بوده است که به شکل های گوناگون از جمله ضرب و شتم زنان و تحقیر و شکنجه های روحی نسبت به آنها اجرا شده است. این اقدام دولت بر پایه ی قانون حجاب در اسلام پیاده می شود و برخلاف نظر عده ای از مذهبیون که اقدامات دولت را جدای از فرامین مذهبی در نظر می گیرند؛ اسلام همچون سایر ادیان پایه گذار

خشونت هایی از این دست نسبت به زنان بوده و همواره در جهت تقویت مردسالاری کوشیده است.

با وجود آنکه اکثر نمونه های خشونت که در بالا ذکر گردید، به مسلمانان و کشورهای اسلامی محدود نمی گردد؛ اما رابطه ی میان مذهب و مردسالاری، رابطه ای دو سویه است که هر یک دیگری را تقویت و بازتولید می نماید و تفاوت عمده ی کشورهای اسلامی با کشورهایی که به شکل سکولار اداره می شوند؛ در این است که قوانین حکومتی بر اساس مبانی مذهبی وضع نمی شود و به همین دلیل کشورهای اسلامی یا حکومت های دینی در اعمال خشونت نسبت به زنان نقش عمده تر می یابند. در اسلام به اشکال مختلف شاهدیم که به اعمال خشونت نسبت به زنان توصیه شده است. آیه های پیرامون کتک زدن زنان، سنگسار زنان، روابط جنسی به هر شکل با زنان، در آیات قرآن به وضوح دیده می شود. قوانین ایران نیز براساس همین فرامین شکل گرفته و اجرا می گردد و شاهد بوده ایم که هر زمانی جامعه ی مردسالار احساس ضعف کند؛ به فکر ترویج تفکرات مذهبی می افتد.

همانطور که ذکر گردید اکثر زنان با نوعی از خشونت روبرو می شوند و این امر در سلامت جسمی، روحی و پیشرفت اجتماعی آنها بسیار تأثیر گذار است. اکثر فشارهای عصبی در زنان و مسائل روحی آنها ریشه در تحمل خشونت هایی است که بر آنها اعمال می شود. برخی با خود کشی و خود سوزی سعی می کنند از بار این ستم خلاصی یابند، برخی به فالگیری و رمالی گرایش می یابند؛ برخی دست به دامان خدا می شوند و هیچ کدام این واقعیت را نمی بینند که می توان علیه این خشونت و ستم ایستادگی کرد و با عاملان آن به مبارزه پرداخت. برای رهایی از خشونت هایی که به واسطه ی حکومت دینی بر زنان اعمال می گردد بایستی در جهت جدایی دین و دولت تلاش نمود. در راستای این اقدام، سایر ساختارهای ایدئولوژیک همچون رسانه و ساختار های آموزشی نیز از تأثیرات مذهبی فاصله خواهند گرفت. اما مردسالاری که تقویت کننده ی خشونت نسبت به زنان است اگر چه با تعدیل نقش مذهب تعدیل می گردد؛ ولی برچیدن نظام مالکیت خصوصی، گام مهم دیگری خواهد بود؛ در تعدیل مردسالاری که مبتنی بر مالکیت مرد بر زن است.

خشونت

مقاله ارسالی

بیست و پنج نوامبر (۴ آذر) روز مبارزه با خشونت علیه زنان است. همه جا آمارها به چشممان می آیند از تعداد زنانی که به دست مردان خانه شان لت و کوب می شوند، از تعداد زنانی که بر اثر این لت و کوب جان می سپارند. می شنویم و به خود می لرزیم که تعداد زنانی که زیر دست شوهرانشان جان می دهند از تلفات زنان در جنگ ها بیشتر است، که خانه (جایی که قرار است محیط گرم و امن و... باشد) خطرناک ترین مکان برای زنان است. ولی به خود نمیگیریم. شاید چون خودمان تا به حال از دست کسی کتک نخورده ایم؟

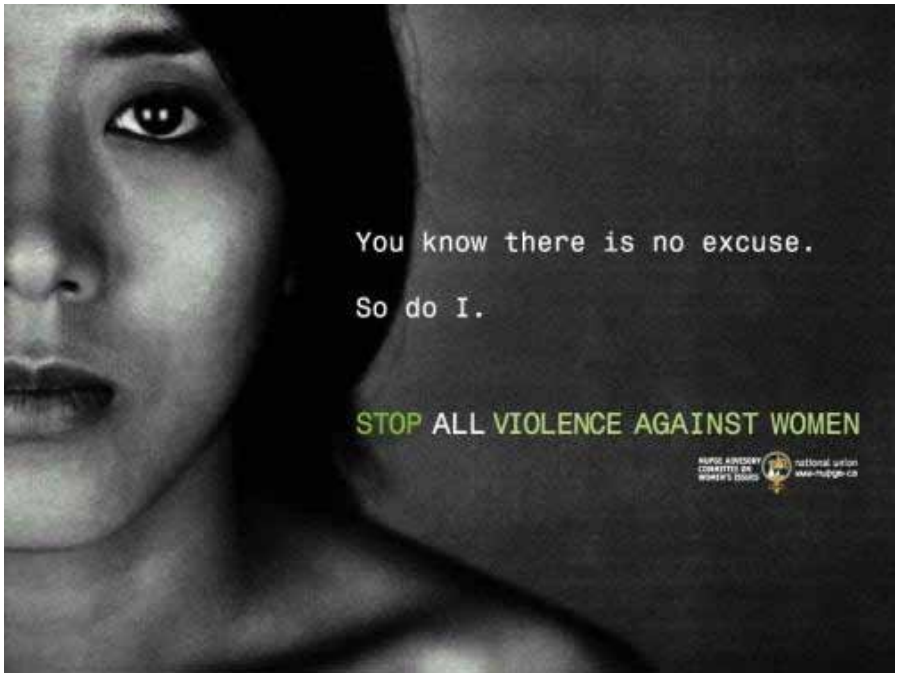

از "ختنه" (یا در واقع ناقص سازی جنسی) زنان می شنویم. بربریتی که هنوز دخترکانی درد جانخراشش را تحمل می کنند و زنانگی شان برای همیشه سرکوب می شود. ولی به خود نمی گیریم و حتی نمی-دانیم که شاید همین زنی که در مدرسه و دانشگاه و محیط کار کنارمان نشسته، شاید...

از متلک ها، از توجهات حریصانه و ناخواسته هم می شنویم، از اس ام اس های پیاپی، فحش ها، تمناهای پر ولع و هرزه گری هایی که زنگ تلفن را به ناقوس وحشت بدل می کند، که نمی گذارد فکرت را به کار، به درس، به هر آن چه می خواهی متمرکز کنی. از خواسته بیمارگونه مردانی که می خواهند سرنوشت زنان را تعیین کنند، خواسته ای که گاه به بطری اسید در دست یک بی شعور وحشی تبدیل می شود و زندگی دختر جوانی را برای همیشه نابود می کند.

از حسادت های مردی که فکر می کنی دوستش داری و دوستت دارد. شکاکیت هایش، دست یازی اش به تمام گوشه های زندگی ات، از احساس تملکش. که هیچ گاه راضی نیست و همیشه بیشتر می خواهد.

از خشونتی که این جا، هر روز بر همه مان فرود می آید. به همراه حجاب اجباری. و نه فقط به شکل گشت های ارشاد، و بازداشتگاه و عکس شماره دار و شاید شلاق، بلکه به شکل تحمیل هر روزه و هر دقیقه ای. تحمیلی که هر روز به یادت می آورد شهروند درجه دومی، که تا ابد انسان نیستی.

از خشونت هایی هم کمتر می شنوی. خشونت نگاه های سرزنش بار و یا تمسخر آمیز به بدنت (نکند چاق شده ام؟)، به بینی ات (شاید بزرگ باشد؟)، به سینه ات (به اندازه کافی بزرگ نیست؟)، به کمرت (به اندازه کافی باریک نیست؟). و نگاه های سرشار از تحقیر ــ که پیر و اضافی شده ای. خشونت تصاویر فتوشاپ شدهٔ مانکن ها. آگهی دستگاه ها و کرم های لاغری. برای پوست های شفاف، بدون چروک، سفید و باز هم سفید تر، هر قدر که بخواهید... که تو را قانع می کند که کامل نیستی، خواستنی نیستی و چون زنی، اگر خواستنی نیستی پس اصلا نیستی. خشونتی که تو را به زیر چاقوی جراح می فرستد، برای بینی سربالا، پستان سیلیکُنی و شکم ساکشن شده... به قیمت هایی که شاید برای پرداختش مجبور شوی کلیه ات را بفروشی.

شاید از یکی دو تا، چند تایی از این اشکال خشونت جان به در برده باشی. شاید، ولی اگر زن هستی از خشونت علیه زنان راه فراری نیست. خشونت علیه زنان مسئله ای فردی نیست، به شانس مربوط نیست، با تصمیم و اراده هم نمی شود جاخالی داد. اشکال مختلف خشونت علیه زنان جلوه های مختلف رابطه ای بنیادین اند. رابطه ای تاریخی و جهانی که در آن زن نسبت به مرد نقش فرودست دارد، که زن تابع مرد است.

به مناسبت روز مبارزه با خشونت علیه زنان با آمار دهشت بار آشنا می شویم، از قوانینی می شنویم که برای ایجاد دگرگونی در وضعیت زنان تغییر کرده اند و یا باید تغییر کنند. ولی چیزی که کمتر می شنویم این است که: خشونت علیه زنان در این دنیای سرمایه داری، در جامعه طبقاتی مردسالار نهادینه است. که خشونت علیه زنان با تغییر قوانین از بین نمی رود. که برای از بین بردن این خشونت به یک انقلاب نیاز است ــ انقلابی اجتماعی که تقسیم کار و نگرشی را که به این خشونت پای می دهد ریشه کن کند.

تجربه ارسالی

اخیراً رابطه ی جنسی دخترا با دوست پسرشون به یکی از مسائل مهم روابط دختر و پسرها تبدیل شده. اکثر دخترها از این رابطه اجتناب می کنند و اکثر پسرها ادامه ی رابطه با دوست دخترشون رو منوط به رابطه ی جنسی با او می دانند و اغلب اونها دختر ها رو برای این کار تحت فشار می گذارند که باعث شده رابطه جنسی از راه مقعد افزایش یابد. این نوع رابطه تنها مرد را از لذت جنسی برخوردار می کند و جز درد روحی و جسمی برای دختران نتیجه ای در بر ندارد.

من با دختر های زیادی آشنا هستم که می شود اونها را در سه گروه جا داد. بعضی از دختر ها در خانواده هایی زندگی می کنند که والدینشون با روابط جنسی قبل از ازدواج مسئله ای ندارند. دو دسته ی دیگر در خانواده های مذهبی و سنتی زندگی می کنند که رابطه ی قبل از ازدواج برای آنها غیر ممکن است اما بعضی از آنها به صورت پنهانی این کار را انجام می دهند. دسته ی سوم هم به خاطر رسوم مردسالانه ی بکارت، تا شب اول بعد از ازدواج منتظر می مانند. یکی از نکاتی که در صحبت با دختر ها به نظرم مهم می آید این است که اغلب دختر ها به سبک افراد سنتی معتقدند که تنها مرد از رابطه ی جنسی لذت می برد و چرا ما بذاریم پسرها از ما سوء استفاده کنند. این درک بسیار غلطی است که در بین افراد زیادی رواج دارد و همین نگرش باعث می شه که به مردها برای تجاوز، چند همسری و روابط آزاد جنسی حق داده شده و زن ها برای رابطه جنسی حقی نداشته باشند. روابط جنسی سالم، هر دو نفر را در لذت جنسی شریک می نماید و من بعد از برقراری این رابطه مهمترین چیزی که بدست آوردم، اعتماد به نفس بود. به این دلیل که در فرهنگ مردسالار ایران، بدن زن، هیچوقت به خود او تعلق ندارد. در اغلب موارد قبل از ازدواج، خانواده از بدن دختران پاسداری می کند، هنگام ازدواج این کالای آکبند به فروش می رسد و پس از آن، جزو اموال یک مرد به حساب می آید که هر زمان که او بخواهد ابزاری برای لذت جنسی اوست. من در رابطه با دوستم از این مناسبات خارج شدم و درک کردم که این بدن به خود من تعلق دارد و هرگاه که من تصمیم بگیرم از رابطه ی جنسی لذت می برم.

با این وجود افرادی مثل من که رابطه ی جنسی قبل از ازدواج دارند با مسئله ی مهمی دست به گریبان هستند که حکومت و ساختار قانونی به آنها تحمیل کرده است. غیر قانونی بودن سقط جنین. بعد از اینکه یک هفته از موعد پریودم گذشت، مشکوک شدم به حاملگی و بعد از آزمایش فهمیدم که حامله هستم. آن چیزی که خیلی برام عجیب بود این بود که من برای جلوگیری از حاملگی اقدام کرده بودم اما بعد از این اتفاق فهمیدم که در بعضی از راه های جلوگیری، احتمال ضعیفی برای حاملگی وجود دارد. به هر حال باید سقطش می کردم، چون اصلاً برنامه ای برای حاملگی نداشتم. می خوام درس بخونم و اگر امکان زندگی مشترک برام فراهم شد به چیزهایی از این دست فکر می کنم.

در گیر و دار سقط، چیز های زیادی دیدم. افرادی که کارشون سقط جنین است، دو دسته هستند :

یک دسته به صورت تجربی این کار را انجام می دهند و پزشک متخصص زنان نیستند اغلب ماما هستند اما مشتری های بیشتری دارند که دلیل اصلی آن قیمت پایینی است که از مشتری ها می گیرند. دسته دوم دکتر های متخصص هستند که اغلب در بالای شهر مطب دارند و قیمت ویزیتشون خیلی بالاست.

مهمترین بخش ماجرا روش هایی است که برای سقط جنین به کار می ره. در هفته های اول، دکتر ها معمولاً از آمپول یا قرص استفاده می کنند. استفاده از این روش در اولین بار باعث سقط کامل جنین نمی شود و من هم که از قرص استفاده کردم بعد از اتمام قرص ها و آزمایش مجدد حاملگی، شاهد جواب مثبت بودم یعنی جنین سقط نشده بود. در ابتدا دارو ها باعث مرگ جنین می شود و با مصرف ادامه دار دارو سقط جنین کامل می شود. دو تا نکته ی مهم در این جریان خرید داروهای سقط جنین بود که معمولاً به صورت قاچاق به فروش می رسند. برای اولین بار بود که می رفتم ناصر خسرو، همچین فضایی رو فقط توی فیلم ها دیده بودم. دارو ها به خاطر اینکه غیر قانونی است و فروشنده به خوبی می دونه که تو مستأصل هستی با قیمت خیلی بالا فروش می ره. غیر قانونی بودن سقط جنین یک بازار سیاه به تمام معنا برای این کار درست کرده که من به عنوان یک زن اصلی ترین قربانی در این بازار هستم.

سقط جنین ارادی، به دلیل اینکه به صورت مصنوعی انجام می شه، بعد از مصرف دارو خونریزی های شدید به همراه داره که همین مسئله یکی از سخت ترین قسمت های سقط جنین است. من بیش از دو هفته درگیر خونریزی بودم. تازه بعضی از افراد دچار عفونت در دهانه ی رحم هم می شوند. تجربه ی سختی بود اما امیدوارم که بتوانم در این زمینه کنترل بیشتری داشته باشم. به امید آزاد شدن سقط جنین